

## بسترهای اجتماعی اقتصاد مقاومتی

دکتر داود پرچی<sup>۱</sup>

فاطمه جلالی<sup>۱</sup>

### چکیده

اجتماعی و فرهنگی بودن اقتصاد به‌عنوان کنشی که در این بستر روی می‌دهد آن را موضوع مورد مطالعه جامعه‌شناسی اقتصادی نموده است. اقتصاد مقاومتی (Resistive economy) علاوه بر ابعاد اقتصادی دارای ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مهمی است که ضرورت دارد بررسی آن با توجه به این ابعاد صورت گیرد. اقتصاد مقاومتی الگوهای ارتباطی شبکه‌ای از کنش‌گران در تولید، توزیع و مصرف کالا و خدمات است که در شرایط بحرانی افول نموده و قدرت بازساماندهی خود را داشته و با هضم عوامل بحران، مانع از تحمیل قواعد دیگری به خود گشته و در صورت لزوم می‌تواند قواعد خود را به دیگری تحمیل نماید. اقتصاد مقاومتی راهبرد جمهوری اسلامی برای تقابل با جنگ اقتصادی نامتقارن تحمیلی دشمن مستکبر و تدوام پیشرفت اقتصادی در شرایط بحرانی است. اقتصاد مقاومتی پویا و پیشرفت‌گرا، عدالت‌خواه و غیراستعماری، مردم‌محور و پاک است. اولویت در آن تولید و تامین اقلام راهبردی، اجتناب از اقتصاد تک محصولی، بالا رفتن ارزش پول ملی با افزایش کار تولیدی می‌باشد.

به منظور دستیابی به چنین اقتصادی علاوه بر توجه به عوامل و موانع اقتصادی نیازمند رعایت برخی الزامات و ضروریات فرهنگی و اجتماعی نظیر وفاق نخبگان، افزایش مشروعیت نظام سیاسی، مبارزه با فساد اقتصادی، کاهش نابرابری اجتماعی و اقتصادی، کارآمدسازی نظام تامین اجتماعی، تحول در نظام اداری، تغییر سبک زندگی و... هستیم.

کلید واژگان: اقتصاد مقاومتی، جامعه‌شناسی اقتصادی، فساد اقتصادی، نابرابری

## مقدمه

اقتصاد مقاومتی مقوله‌ای است که علاوه بر بعد اقتصادی دارای ابعاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و لاجرم در چارچوب جامعه‌شناسی اقتصادی قابل بررسی است. جامعه‌شناسی اقتصادی چگونگی تولید، توزیع و مصرف کالا و خدمات را با توجه به شرایط و فرایندهای اجتماعی بررسی می‌کند. موضوع آن تولید و مصرف سرمایه اقتصادی یا ثروت در زمین‌های فرهنگی و اجتماعی است. جامعه‌شناسی اقتصادی به جست‌وجوی نحوه ساختار یا بی‌کنش‌های اقتصادی از طریق شبکه‌ها می‌پردازد. این رویکرد به دو زیرشاخه جامعه‌شناسی بازار و مصرف تقسیم می‌شود، از این منظر بازارها میدان‌های اجتماعی هستند که کنش‌های اقتصادی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان را براساس قواعد رسمی و غیررسمی در یک زمینه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی در خود جای داده‌اند. سبک‌زندگی به‌ویژه سبک‌زندگی اقتصادی که چگونگی کسب و مصرف سرمایه اقتصادی یا مصرف کالا و خدمات را با توجه به زمینه‌های فرهنگی در بر می‌گیرد نیز حوزه مهم دیگری از جامعه‌شناسی اقتصادی است.

بی‌توجهی و یا کم‌توجهی به ابعاد غیراقتصادی اقتصاد مقاومتی می‌تواند همانند بسیاری از طرح‌های اقتصادی اجرا شده در کشور علاوه بر به نتیجه نرسیدن آن، اختلالاتی نیز در جامعه به‌وجودآورد. مسئله مورد بررسی این مقاله کاهش احتمال موفقیت اقتصاد مقاومتی بدلیل بی‌توجهی به ابعاد جامعه‌شناختی آن است. در شرایطی که دشمن هجمه و جنگ تمام‌عیار اقتصادی را به ما تحمیل نموده و شرایط حاکم بر جامعه به‌گونه‌ای است که مانع موفقیت اقتصاد مقاومتی است، توجه به رویکرد جامعه‌شناسی اقتصادی در این موضوع می‌تواند بر قابلیت اجرا و افزایش احتمال به نتیجه مطلوب رسیدن آن بیافزاید. این مقاله با هدف گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی به‌ویژه در محافل دانشگاهی، جلب توجه مسئولان به ابعاد غیراقتصادی اقتصاد مقاومتی و کمک در حل یک مسئله مهم کشور با تولید علم و رشد علمی دانشجویان تدوین گردیده است.

از مشکلات مهمی که در نظام برنامه‌ریزی اقتصادی ما وجود دارد عدم توجه مسئولین

به اقتصاد به‌عنوان یک پدیده‌ی چندبعدی و دارای ابعاد فرهنگی و اجتماعی است. لذا بر اساس تحلیل‌های صرف اقتصادی راهکارهایی را اعمال می‌کنند که در عمل به نتایج مطلوب نمی‌رسند. برای مثال می‌توان به موضوع واگذاری واحدهای تولیدی تحت تملک دولت به بخش خصوصی و هدفمندی یارانه‌ها اشاره کرد. از این‌رو می‌بایست به شرایط فرهنگی و اجتماعی کنش‌های اقتصادی، توجه خاصی مبذول داشت.

مشکل دیگر عدم تناسب عرصه‌ی اقتصادی کشور با انقلاب اسلامی مردم است. در این کشور انقلابی به‌وقوع پیوسته و این انقلاب دارای اصول و مبانی است که باید اجزا نظام بر اساس این اصول و مبانی شکل بگیرد، در حال حاضر در امور اقتصادی این تناسب مشاهده نمی‌شود. ۳۷ سال از انقلاب اسلامی گذشته و روز به روز شاهد قوی‌تر شدن بنیه‌ی نظام سیاسی برآمده از انقلاب هستیم، اما از سوی دیگر دشمنان هم جنگ‌های پیچیده‌تری را برنامه ریزی و تحمیل می‌کنند، بنابراین لازم هست دقیق‌تر، پیچیده‌تر و سخت‌تر از جنگ نظامی با آن مواجه شویم. بحث تحریم یک جنگ تمام‌عیار تحمیلی اقتصادی علیه جمهوری اسلامی است و باید با این موضع با بحث تحریم مواجه شد. در عین حال باید توجه داشت تحریم‌ها از عوامل پیدایش برخی مشکلات اقتصادی ماست اما عامل اصلی مشکلات اقتصادی کشور سوء مدیریت منابع و فساد اقتصادی است.

### ضرورت‌های اقتصاد مقاومتی چیست؟

چرا باید اقتصاد مقاومتی را به‌عنوان یک شیوه و بخشی از نظام اجتماعی کشور مورد توجه قرار داده و پیاده‌سازی کنیم؟ در این بخش با پاسخگویی به این سؤال ضرورت‌های پرداختن به اقتصاد مقاومتی را مرور می‌کنیم.

۱- **وجود مشکلات اقتصادی در کشور:** با وجودی که در کشور ظرفیت‌های مادی و معنوی فراوانی داریم به‌ویژه نیروی انسانی جوان با انگیزه تلاش برای آبادانی و سربلندی کشور که می‌تواند جوابگوی جمعیتی ۱۲۰ میلیونی باشد، کشور با مشکلات عدیده اقتصادی مواجه است که موجب اختلال در توسعه و دستیابی به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می‌گردد. در ۱۳۸۸ میانگین رشد اقتصادی جهانی ۳۹ بوده، رشد اقتصادی ایران ۵۵، در ۱۳۸۹ میانگین جهانی به صفر رسیده و ایران ۸۷- که وخیم‌تر شدن وضعیت

اقتصادی جهانی و کشور را نسبت به سال قبل نشان می‌دهد. در ۱۳۹۰ میانگین جهانی ۵۶ و ایران ۳- یعنی در حالی که اقتصاد جهانی خود را باز یافته و ۵۶/۰ رشد داشته ایران نیز ۵۷/۰ تقریباً کمی بیشتر از میانگین جهانی رشد اقتصادی داشته است. در سال ۱۳۹۱ میانگین رشد اقتصاد جهانی ۱۱- بوده و رشد اقتصادی ایران ۲۶- گردیده، در این سال میانگین رشد اقتصادی جهانی ۴۵/۰ کاهش داشته ولی ایران ۲۸/۰ رشد داشته است. در ۱۳۹۲ که آغاز به کار دولت یازدهم است میانگین جهانی ۱۵ است و ایران به ۵۲- یعنی میانگین جهانی ۰۴/۰ رشد و ایران ۴۹/۰ افت رشد اقتصادی را تجربه کرده‌اند. در ۱۳۹۳ میانگین رشد اقتصاد جهانی ۳۸ بوده در حالی که رشد اقتصادی ایران ۸۲- یعنی در شرایطی که اقتصاد جهانی رشد ۲۳/۰ نموده، رشد اقتصادی ایران ۳۰/۰ دیگر کاهش یافته است که معرف عدم موفقیت برنامه‌های مسئولان در اصلاح وضعیت اقتصادی جامعه و وخیم‌تر شدن آن است.<sup>۱</sup>

هرچند در این سال‌ها اقتصاد جهانی با بحران‌هایی روبه‌رو بوده اما این وضعیت گویای آن است که وضع اقتصادی کشور با مشکلات عدیده و عمیق مواجه است. این وضعیت متأثر از دو دسته عوامل درونی که مشکلات دیرینه اقتصادی، وابستگی نفتی، سرمایه‌داری دولتی، تورم، بیکاری، فساد، سوءمدیریت، عدم وجود نظارت کارآمد و کافی بر فعالیت‌های اقتصادی، سیاست‌زدگی در امر اقتصاد که جناح‌های مختلف اوضاع اقتصادی را دگرگون می‌کنند و عوامل بیرونی که مهمترین آن‌ها جنگ نامتقارن و نابرابر اقتصادی در قالب تحریم‌های ظالمانه اقتصادی، خرابکاری در اقتصاد ایران در بیرون و بحران‌های اقتصادی جهانی می‌توان نام برد. برای رفع این مشکل و کنترل و کاهش اثرات هر دودسته عوامل اتخاذ الگوی اقتصاد مقاومتی گریزناپذیر است.

باید به این نکته توجه نمود که اگر ما یک نظام اسلامی نبودیم، باز هم به‌عنوان یک کشور انقلابی نیاز به اقتصاد مقاومتی و استراتژی مقاومت در برابر تهدیدات را داشتیم، اگر یک کشور انقلابی هم نبوده و یک کشور معمولی، ولی مستقل بودیم برای توسعه و پیشرفت خود نیازمند استراتژی اقتصاد مقاومتی بودیم. همان‌طور که رهبر معظم انقلاب اشاره می‌کند اقتصاد مقاومتی "یک الگوی علمی متناسب با نیازهای کشور ما است، اما منحصر به کشور ما نیست"<sup>۱</sup>. این ضرورت برای ما به‌عنوان یک کشور انقلابی اسلامی که بالقوه هویت تمدنی غرب را به چالش کشیده، مضاعف است، ما ناگزیر از اتخاذ چنین

راهبردی هستیم، زیرا استکبار بواسطه انقلابی و اسلامی بودن این کشور با آن دشمنی می‌کند. ما براساس آموزه‌های اسلام مکلف به دفاع در برابر دشمن هستیم و باید در هر نوع جنگی متناسب با شیوه‌های تقابل و تجاوز دشمن در برابر او دفاع کرده و در تعدی و تجاوز به حریم‌های مختلف کشور اسلامی، شکست را به دشمن تحمیل و پیروزی را از آن خود نمائیم. براساس آموزه‌های قرآنی در تعاملات در نظام بین‌المللی لازم است با دوستان رفاقت و دوستی، با غیر دشمنان مدارا و با دشمنان در ستیز و تقابل تا رفع فتنه باشیم و در جنگ اقتصادی نیز باید همین‌گونه باشد. برخی از مسئولین رویه بازی برد - برد را در مقابل استکبار مطرح می‌کنند. این رویه مبین آن است که یا از آمریکا تلقی دشمن ندارند، زیرا براساس آموزه‌های اسلامی و به حکم عقل ما نمی‌توانیم در برابر دشمنی که جنگ را به ما تحمیل می‌کند رویه بازی "برد - برد" را اتخاذ کنیم. در بازی با دشمن همیشه باید استراتژی برد ما و باخت دشمن باشد و یا اینکه در تحلیل خود به این نقطه رسیده‌اند که ما توان مقابله با دشمن را نداریم. هرچند این تحلیل نادرست و وادادگی در برابر غرب و ناشی از عدم درک صحیح از شرایط ایران و کشورهای غربی است. اما اگر این تحلیل واقعی باشد که ما نمی‌توانیم در برابر دشمن مقاومت کرده و برد خود را به او تحمیل کنیم، می‌توان برای کاهش خسارت و جلوگیری از تفوق دشمن استراتژی برد - برد را پذیرفت.

**۲- الزامات قانونی:** اصل ۴۳ اولین اصل بخش اقتصادی قانون اساسی است که در ابتدا با تاکید بر استقلال اقتصادی جامعه شروع می‌شود. استقلال یکی از اصول اساسی انقلاب و حفظ آن زمانی محقق می‌شود که در اداره جامعه استقلال سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور مورد توجه و محفوظ بماند. اگر اصول قانون اساسی مراعات می‌شد امروز کشور با مشکلات اقتصادی حداقل با این شدت مواجه نبود. اقتصاد مقاومتی الگوی اقتصادی مبتنی بر قانون اساسی برای حفظ استقلال اقتصادی و به منظور پیشرفت اقتصادی کشور و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد اوست. طبق قانون اساسی همه مردم و به‌ویژه دولت‌ها موظفند به حفظ استقلال، رشد اقتصادی و عدالت محوری همت گمارند.

**۳- تبعیت از رهبری و سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی:** مقام معظم رهبری

با آگاهی از اوضاع و شرایط اقتصادی کشور به درستی بحث اقتصاد مقاومتی را مطرح کرده‌اند تبعیت از ایشان، پرداختن به این موضوع را برای همه اقشار از جمله دانشگاهیان امری ضروری می‌نماید و لازم است دانشگاهیان با تخصص‌های مختلف نیز این موضوع را از زوایای مختلف بررسی، موانع تحقق آن را معرفی و برای رفع آن‌ها چاره‌اندیشی علمی نمایند. سیاست‌های کلی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری که توسط مجمع تشخیص مصلحت تدوین شده نیز حکم قانون دارد و دستگاه‌های اجرایی کشور ملزم به اجرای آن هستند. ضمن اذعان به نقاط قوت اقتصادی دیده شده در این سیاست‌ها، نقص عدم توجه به فرهنگی بودن کنش‌های اقتصادی در آن وجود دارد و مبانی آن اقتصاد لیبرالیستی است که اقتصاد را فرهنگ‌ساز می‌داند. اما از آنجا که قانون است لازم الاجرا می‌باشد. مدتی از ابلاغ این سیاست‌ها می‌گذرد بهتر است مسئولان قوای مختلف اقداماتی که در این زمینه انجام داده‌اند را به مردم گزارش دهند. به نظر می‌رسد برخورد شعاری با این موضوع بیش از اعمال آن در سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات اجرایی باشد.

### تعریف اقتصاد مقاومتی

از ضروری‌ترین لوازم اقتصاد مقاومتی آن است که بین همه آحاد مردم به‌ویژه نخبگان و به‌طور اخص مسئولان کشور وفاق اجتماعی در زمینه‌های مختلف از جمله این موضوع به‌وجود آید. وفاق بر سر تعاریف و برداشت‌ها می‌تواند در ایجاد وفاق جمعی موثر باشد. اقتصاد الگوهای ارتباطی شبکه‌ای از کنش‌گران تولید، توزیع و مصرف کالا و خدمات در شرایط تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقلیمی و مواهب طبیعی برای کاربرد بهینه منابع، به‌ویژه منابع کمیاب و کسب بیشترین سرمایه‌ی اقتصادی در سطوح مختلف می‌باشد.

براین اساس می‌توان گفت اقتصاد مقاومتی الگوهای ارتباطی شبکه‌ای از کنش‌گران تولید، توزیع و مصرف کالا و خدمات است که مانع از تحمیل قواعد اقتصادی شرایط بحران و دیگری به خود می‌گردد و در صورت لزوم می‌تواند قواعد خود را در شرایط بحران حاکم و به دیگری تحمیل نماید. به عبارت دیگر اقتصاد مقاومتی، اقتصاد با قدرت است که از اضافه شدن عنصر "تحمیل به دیگری و مانع تحمیل دیگری به خود شدن" به اقتصاد شکل می‌گیرد. اقتصاد مقاومتی راهبرد جمهوری اسلامی برای تقابل با جنگ اقتصادی نامتقارن تحمیلی دشمن مستکبر و تداوم پیشرفت اقتصادی در شرایط بحرانی

## بسترهای اجتماعی اقتصاد مقاومتی ۷۱

است. اقتصاد مقاومتی دارای توان بازدارندگی دشمن و تمکین اوست (همانند جنگ نظامی). شاید در شرایط فعلی تمرکز بر روی بازدارندگی دشمن باشد و بعد تهاجمی آن که در مورد تمکین دشمن است در دستور کار نظام نباشد اما این بعد جزء لاینفک اقتصاد مقاومتی است که در شرایط غیر بحرانی نیز باید مورد توجه باشد تا توان پدافند اقتصادی و بازدارندگی آن در حد لازم باشد. علاوه بر تاب‌آوری در جنگ اقتصادی این توانمندی برای ایستادگی و تداوم پیشرفت در مواقعی که بحران‌های اقتصادی جهانی، مانند رکود بین‌المللی پیش می‌آید کارآمد خواهد بود. می‌توان "اقتصاد مقاومتی" را این‌گونه نیز تعریف نمود:

مدل تولید، تامین، توزیع و مصرف مستمر، متعادل و بهینه کالاها، خدمات و سرمایه اقتصادی در سه سطح خرد، میانه و کلان بر مبنای اصول انقلاب اسلامی که در شرایط بحران و یا جنگ تحمیلی اقتصادی با خود سامانی و تنظیم روابط بخش اقتصادی با سایر بخش‌های نظام توان بازدارندگی و مقاومت برای دستیابی به الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی را دارد.

لازم به ذکر است که تصور اتمام جنگ استکبار علیه انقلاب اسلامی و فراهم شدن زمینه آبادانی کشور تصوری باطل است. فشارهای مختلف جبهه استکبار از بدو پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون موید آن است که دشمنی مستکبرین اتمام‌ناپذیر است و تنها در صورتی شرارت و مزاحمت‌های آنان کاسته و یا از بین خواهد رفت که خود را مواجه با جبهه‌ای قدرتمند و مستحکم متکی بر همبستگی اجتماعی آحاد مردم و نخبگان و مسئولین ببینند. براین اساس اقتصاد مقاومتی یک امر کوتاه‌مدت یا موقتی نیست که با برداشتن تحریم‌ها تمام شود بلکه امری دائمی و بلندمدت است. اقتصاد مقاومتی حوزه‌های تهدید اقتصادی را شناسایی و برای کنترل و بی‌اثر کردن و تبدیل آن‌ها به فرصت تلاش می‌نماید.

**اقتصاد مقاومتی، ریاضت اقتصادی نیست:** لازم است بین مفهوم اقتصاد مقاومتی و ریاضت اقتصادی تفکیک قائل شویم. ریاضت اقتصادی عموماً سیاستی است که توسط دولت‌ها برای مقابله با کسری بودجه از طریق کاهش هزینه‌ها اجرا می‌شود. کاهش هزینه‌ها با کاهش و حذف برخی از خدمات و مزایای عمومی، صرفه‌جویی در

مخارج کشور، کاهش هزینه‌های رفاهی و تعدیل کارمندان در بخش دولتی صورت می‌گیرد. ریاضت اقتصادی گاهی با افزایش مالیات و دریافت وام از کشورها و مراکز بین‌المللی مالی و همچنین کمک‌های مالی خارجی همراه است. در اقتصاد مقاومتی برخی از ویژگی‌های ریاضت اقتصادی مانند صرفه‌جویی در مخارج کشور کاربرد داشته و مفید است ولی با آن یکی نیست.

### تجربه کشورهای دیگر در زمینه اقتصاد مقاومتی:

کوبا، آلمان، هند، ژاپن، ویتنام، کره شمالی، ترکیه، آمریکا، غزه و (کشورهای) اروپا از اقتصاد مقاومتی استفاده کرده‌اند. برای مثال آمریکایی‌ها در زمانی که احساس کردند در زمینه نفت احتمال آسیب‌پذیری دارند استراتژی متناسب با آن را در مورد مسئله نفت پیش گرفتند، هم به سمت انرژی‌های جایگزین رفته‌اند و هم ذخایر بسیار زیاد نفت را با قراردادهای بزرگ نفتی خرید و ذخیره کردند. در حال حاضر نه تنها تحت‌تاثیر نوسانات قیمت نفت نیستند بلکه با عرضه ذخایر خود قیمت را هم به نفع خود مدیریت می‌کنند. پس مسئله اقتصاد مقاومتی، خاص ما نمی‌باشد بلکه دشمن ما هم به آن توجه دارد.

### مبانی نظری اقتصاد مقاومتی

۱- اصل انقلابی بودن نظام جمهوری اسلامی: در تعریف انقلاب اسلامی می‌توان گفت: دگرگونی نظام سیاسی و اقامه حکومت مبتنی بر شریعت اسلام برای ایجاد نظام اجتماعی که توسعه کشور و دستیابی به زندگی بهتر دنیوی و رستگاری اخروی مردم را محقق نماید. انقلاب اسلامی ایرانی که جنبش اجتماعی اسلام‌خواهان (بنیادگرایان) برای دستیابی به پیشرفت، توسعه کشور و زندگی بهتر دنیوی و رفاه همراه با رستگاری اخروی بر مبنای شریعت اسلام است. گرایش به اسلام به عنوان یک نظام اجتماعی برخوردار از قابلیت اداره جامعه برای توسعه کشور و رفع عقب‌ماندگی‌ها مبتنی بر جهان‌بینی اسلامی که بیش از یک قرن است در کشورهای اسلامی شکل گرفته، ناشی از درک عقب‌ماندگی در توسعه و ناکارآمد و نامتناسب دیدن تجویزهای نظری توسعه برآمده از مدرنیته و خواستگاه تاریخی و اجتماعی آن یعنی غرب می‌باشد. کشورهای اسلامی پس از



### بسترهای اجتماعی اقتصاد مقاومتی ۷۳

اینکه چند مرحله نظریه‌های توسعه را آزمون نموده و نتیجه‌ای جز تداوم استثمار و استعمار و تشدید عقب ماندگی خود ندیدند، بازگشت به مبانی اسلام برای اداره جامعه و ابتناء حکومت بر مبنای شریعت اسلام که بنیادگرایی اسلام و یا گرایش‌های اسلام‌خواهانه نامیده می‌شود را مطمئن‌ترین راه دستیابی به توسعه تلقین موده‌اند. انقلاب اسلامی ایران بدلیل شرایط خاص تاریخی، اقتصادی- اجتماعی و سیاسی کشور و ظرفیت‌های برآمده از نظام اعتقادی تشیع مخصوصاً اصل بر خوداری از رهبری مبتنی بر امامت و دو آموزه شهادت و انتظار مستتر در امامت، که اولی ایثار و فداکاری در راه آرمان‌ها را فروزان می‌دارد و دومی امید به آینده بهتر را، زودتر از سایر کشورها دگرگونی نظام سیاسی را تجربه نمود. تجربه‌ای که امروز گرایش‌های اسلام‌خواهانه را هرچند با روش‌های دموکراتیک در کشورهای اسلامی تقویت نموده‌است.

باور به اینکه انقلاب اسلامی یک جریان پویای اجتماعی است و می‌تواند در ادامه مسیر خود کشور را به پیشرفت برساند. هرگونه تردید در این موضوع ما را در اتخاذ روش‌های متناسب با انقلاب در اداره جامعه دچار تردید می‌کند. باور به اینکه انقلاب اسلامی توانمندی لازم برای ارائه یک الگوی نظام اجتماعی (نه فقط نظام اقتصادی) برای توسعه و حرکت جامعه مبتنی بر استکبارستیزی، حمایت از مظلومان و اداره کشور با هدف رفع موانع و فراهم نمودن شرایط شکوفایی استعدادهای انسانی در سطح خرد و کلان برای نیل به هدف غایی خلقت انسان از دیدگاه اسلام را دارد. این دیدگاه در برابر کسانی که فکر می‌کنند انقلاب برای تغییر نظام و تثبیت آن کارآمد بود اما برای ادامه مسیر توسعه‌ای خود باید الگوها و مدل‌های مسلط بین‌المللی (لیبرالیسم و یا سوسیال دموکراسی) را بپذیرد اهمیت پیدا می‌کند.

اقتصاد مقاومتی مدل اقتصادی کشوری است که انقلابی بر مبنای اسلام داشته و با این مدل به دنبال آن است که پیشرفت اقتصادی خود را به گونه‌ای محقق کند که پیشرفت در سایر ابعاد جامعه نیز هموار شود. اقتصاد مقاومتی مدلی است که در دو سطح کنش و ساختار مبتنی بر دستورات اسلام بوده و تولید و مصرف سرمایه اقتصادی در آن بر مبنای جهان‌بینی اسلام و متناسب با یک نظام انقلابی است. ویژگی این مدل اقتصادی به گونه‌ای است که علاوه بر خصلت هم‌سویی و هماهنگی با سایر بخش‌ها و تسهیل شرایط تحقق اهداف کارکردی آن‌ها، پیشرفت‌گرا، عدالت‌خواه و دارای جهت‌گیری تحقق

رستگاری اخروی انسان‌ها است. از آنجا که توسعه مبتنی بر یک جهان‌بینی است و هنگامی که جهان‌بینی تغییر کند مطلوب‌ها نیز تغییر می‌نماید، جهتی که پیشرفت و توسعه در چنین اقتصادی داراست ناشی از جهان‌بینی اسلامی است. در اقتصاد مقاومتی توسعه یک فرآیند است نه یک جایگاه، توسعه مسیری است که ما را به کمال برساند. توسعه اجتماعی از این دیدگاه فرایند تولید مستمر و متعادل انواع سرمایه‌ها (اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و شغلی و...) در سه سطح (خرد= فرد، میانه= گروه یا سازمان و نهاد و کلان= کشور) است. هم افراد، هم نهادها و سازمان‌ها و هم کشور، سرمایه‌هایشان رشد کند (پرچی، ۱۳۹۰: ۷۹).

**۲- اصل تلقی از آمریکا به عنوان دشمن استکباری:** از یک منظر امروز دو اردوگاه مقابل هم وجود دارد، اردوگاه استکبار به رهبری آمریکا و اردوگاه مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی ایران و این دو به دلیل اختلاف در مبانی نظری و عملکرد در مقابل هم قرار دارند. اشتباه است که آمریکا را کشوری همانند سایر کشورها ببینیم که می‌توان با آن کنار آمد. امریکای مستکبر فقط در شرایطی از اختلال در امور اردوگاه مقاومت دست بردارد و یا از توان بازدارندگی بالایی برخوردار باشد و این به معنی آن است که اردوگاه مقاومت در همه خرده نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خود باید مقاومتی باشد.

**۳- اصل تلقی تحریم‌ها به عنوان یک جنگ اقتصادی:** جبهه استکبار برای به زانو در آوردن نظام انقلابی اسلامی ایران در سال‌های پس از انقلاب از همه ظرفیت‌های ممکن خود در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، علاوه بر بعد نظامی استفاده نموده است. از آنجا که هریک از این تقابل‌ها با انقلاب اسلامی تقابل با اسلام و مسلمین است، ورود به عرصه دفاع در این زمینه‌ها نیز می‌تواند جهاد برای دفاع از اسلام و مسلمین تلقی گردد. دفاع اقتصادی یا اقتصاد مقاومتی نیز همانند دفاع مقدس هشت‌ساله ملت شریف ایران در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران حرکتی جهادی است و بسیج تمامی منابع و نیروها در این امر می‌تواند واجب کفایی تلقی گردد. براین اساس سیاست‌گذاری‌ها باید به گونه‌ای باشند که مردم و فعالان اقتصادی بتوانند داوطلبانه تمام یا بخشی از توانایی

خود را در فعالیتهای اقتصادی متناسب با اهداف نظام و سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی به کار گیرند. ضرورت اتخاذ راهبرد جنگ اقتصادی نامتقارن برای مقابله با تحریمها نیز از اصول قابل توجه است. این رویکرد سیاست‌گذاریهای اقتصادی و سیاست‌گذاریهای سیاسی و فرهنگی مرتبط با اقتصاد کشور را تحت تاثیر قرار خواهد داد.

#### ۴- اصل خودباوری در رشد و توانایی بازدارندگی: مسئله خودباوری و

تبدیل آن به فرهنگ خیلی مهم است. جای تاسف است که مسئولان کشور برخلاف نظر مقام معظم رهبری در مواضع رسمی خود توانایی ما را زیر سؤال می‌برند. قطعاً خوش خیالی و خودبزرگ‌بینی برای ما آفت است اما خودکم‌بینی نیز زیان‌های بیشتری را متوجه ما خواهد کرد. ملت بزرگی که توانسته است در یک جنگ نامتقارن هشت‌ساله که تقریباً تمامی دنیا در مقابلش بوده آن‌هم در شرایطی که هنوز نابسامانی‌های ناشی از تحول انقلابی خود را سامان نداده بود به پیروزی دست‌یابد، قطعاً می‌تواند بر جنگ اقتصادی نیز فائق آید. این امر مشروط بر شرایطی است که از مهمترین آن‌ها وفاق در خودباوری است.

#### ۵- اصل ارجحیت امنیت و استقلال اقتصادی: طبق اصل ۴۳ قانون اساسی

استقلال اقتصادی مقدم بر رفع فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد آمده است. این امر اهمیت استقلال اقتصادی را نشان می‌دهد، زیرا عدم استقلال اقتصادی عدالت و رشد را هم مخدوش و ناممکن می‌کند. استقلال اقتصادی زمینه‌ساز رشد و عدالت اقتصادی است. هر چند اتخاذ سیاست‌های مناسب می‌تواند هزینه‌ها را به حداقل کاهش دهد اما برای امنیت و استقلال اقتصادی لاجرم باید هزینه تحمل کرد. براین اساس منافع جامعه بر منافع فردی مرجح خواهد بود. قابل ذکر است قبول هزینه از سوی آحاد مردم منوط به پذیرش کلیت نظام، سیاست‌گذاری‌های و عملکرد آن است. در شرایطی که تصور ذهنی مردم بر وجود تبعیض، نابرابری، انحصار و فساد در نزد قدرتمندان و ثروتمندان باشد، قبول هزینه از سوی مردم امری دشوار خواهد بود.

### ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی:

می‌توان ویژگی‌های ذیل را برای اقتصاد مقاومتی برشمرد. هر یک از این ویژگی‌ها می‌تواند مورد تحلیل بیشتر قرار گیرد که به دلیل رعایت محدودیت گنجایش مقاله از آن

صرف نظر شده است.

- ۱- تحرک، پویایی و پیشرفت‌گرا: (اقتصاد مقاومتی بسته و برخوردار از رکود نیست، بلکه باز به تغییرات است و تکانش‌ها را در خود هضم خواهد نمود).
- ۲- عدالت‌خواه، غیراستعماری و غیراستثمار: (بهبود شاخص‌های اقتصادی کلان مهم است، اما رعایت عدالت اجتماعی و اقتصادی در عرصه داخلی و بین‌المللی جزء لاینفک آن می‌باشد).
- ۳- دارای رویکرد جهادی، جهت‌گیری رستگاری اخروی، برکت مینا و مبتنی بر قناعت و بر پرهیز از حرام به‌ویژه در سطح کلان و میانه (ورود کنشگران به عرصه اقتصاد مقاومتی یک تکلیف شرعی است، و می‌تواند همانند دفاع نظامی واجب کفایی تلقی شود. توجه به این امر در سیاستگذاری‌ها مخصوصاً در ارتباط دولت و موسسات اقتصادی سطح میانه، مانند بانک‌ها با مردم اهمیت بیشتری دارد).
- ۴- مردم‌محوری: امکان مشارکت داوطلبانه همه آحاد مردم با در نظر گرفتن توانایی‌ها و امکاناتشان در فعالیت‌های اقتصادی وجود دارد. در اقتصاد مقاومتی دولت به‌عنوان کنشگر اقتصادی در حداقل ممکن حضور دارد. تصدی‌گری امور اقتصادی با مردم، و سیاستگذاری و نظارت با دولت است. در این تعامل از رانت، انحصار، فساد و تبعیض اجتناب و همکاری مردم و دولت براساس صلاحیت و شایستگی‌های انجام خواهد شد و توزیع پاداش‌ها مانند در اختیار قراردادن تسهیلات بانکی براساس میزان نقش آفرینی افراد در اقتصاد ملی صورت خواهد گرفت.
- ۵- اولویت تولید و تامین اقلام راهبردی: استقلال و عدم نیاز به خارج در تامین اقلام راهبردی که توان مقاومت در عرصه‌های اقتصادی مردم و در نتیجه عرصه سیاسی را کاهش می‌دهد مانند: تامین غذا، دارو، صنایع دفاعی، برخی صنایع استراتژیک مانند برق و امثالهم، حتی در صورت پرهزینه‌تر از واردات بودن، در اولویت قرار خواهد داشت.
- ۶- اجتناب از اقتصاد تک محصولی، کاهش وابستگی به نفت و خام‌فروشی: ضرورت تلاش برای فرآوری نمودن مواد اولیه صادراتی از جمله نفت و عدم خام‌فروشی آن‌ها تا حد ممکن، کاهش وابستگی به نفت در تامین مایحتاج مصرفی و بودجه جاری دولت و سرمایه‌گذاری منابع درآمدی نفت در ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی، ایجاد نظام مالیاتی کارآمد و عادلانه جهت تامین بودجه مورد نیاز دولت، پرهیز از اختصاص ارز دولتی

## بسترهای اجتماعی اقتصاد مقاومتی ۷۷

برای واردات کالای مصرفی غیر استراتژیک، اخذ سیاست گسترش صادرات در کالاها و خدمات دارای مزیت نسبی. (مانند میوه و اقلام غذایی به مقصد روسیه و دیگر کشورهای منطقه و ارائه خدمات فنی و مهندسی به کشورهای منطقه به ویژه کشورهای عراق، سوریه، یمن، افغانستان، تاجیکستان و...)

در جدول (۱) می‌توانید حداقل وابستگی بودجه به نفت را در بین سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۹۳ مشاهده کنید. در سال ۱۳۹۳ حداقل وابستگی بودجه کشور به نفت حدود ۶۰ درصد بوده است.

سال	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳
وابستگی	۶۸	۵۹.۲	۶۷.۶	۴۷.۶	۴۳.۳	۶۸.۳	۶۹.۶	۶۱.۴	۶۹	۵۶.۲	۵۱.۸	۵۰.۸	۵۰.۵	۵۳	۶۰

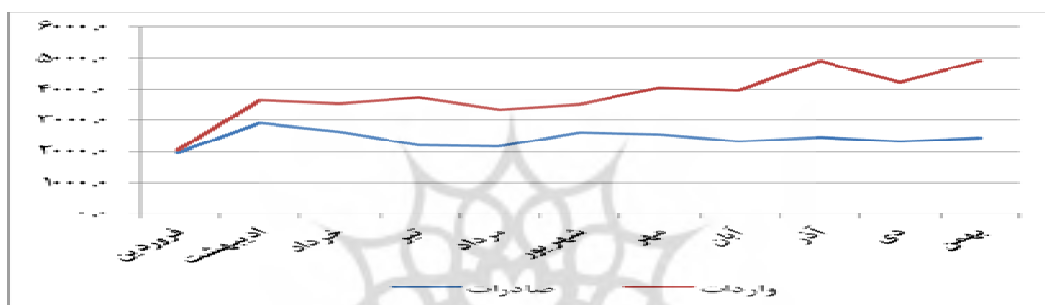
وابستگی بودجه به نفت موجب می‌شود که هزینه‌های کشور عموماً از طریق درآمدهای نفتی تامین شود و به همین دلیل انگیزه حاکمان و برنامه‌ریزان برای کشف منابع جدید و سرمایه‌گذاری در سایر زمینه‌ها و به ویژه سرمایه‌های انسانی کم می‌شود (راغفر، ۱۳۸۶: ۴۴۳). از طرف دیگر اداره جامعه وابسته به شهروندان و مالیاتی که از طریق آنان دریافت می‌شود، نیست و در نتیجه حکومت پاسخگویی در برابر شهروندان ندارد.

۷- پاک‌سازی اقتصادی: اقتصادی که در آن بدست آوردن لقمه‌ی حرام آسان و لقمه‌ی حلال سخت باشد قابلیت اجرای اقتصاد مقاومتی را ندارد. اقتصاد مقاومتی، اقتصاد پاک است، زیرا وجود رانت که عمدتاً به درآمد حاصل از نفت و یا انحصارات متصل است، فساد مالی و اداری که عمدتاً متوجه منابع مالی عمومی و دولتی است، علاوه بر ایجاد مشکلات اقتصادی، مشکلات ذهنی و اعتقادی نسبت به نظام و کشور به وجود می‌آورد که انگیزه مشارکت در اقتصاد مقاومتی در سطوح و ابعاد مختلف را کاهش می‌دهد.

۸- بالا رفتن ارزش پول ملی با افزایش کار تولیدی: از ویژگی‌های مهم و ضروری دیگر اقتصاد مقاومتی ارزشمندی پول ملی بر مبنای افزایش تولیدات داخلی و ارزش افزوده ناشی از آن یا تولید ناخالص داخلی است. بر این مبنای افزایش کمی و کیفی تولید داخلی در زمینه‌های مختلف و در سطوح گوناگون به عنوان مهمترین پشتوانه پول ملی، لازم است سرلوحه سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌های اقتصادی قرار گرفته و قدرت رقابت

پول ملی در برابر ارزهای خارجی نیز بر این مبنا حفظ شود. این امر می‌تواند عامل مهمی برای تنظیم صادرات و واردات و تولید و مصرف کالای داخلی باشد. کشورهایی توسعه یافته هستند که بهره‌وری، کار و تولید در آن‌ها بالاست. کشوری که مصرف بالا و ارزش کار در آن پایین باشد نمی‌تواند نظام اقتصاد مقاومتی را پیاده کند.

نمودار (۱) نشان دهنده ارزش صادرات و واردات کالا در ۱۱ ماهه سال ۱۳۹۲ به میلیون دلار است. شکاف عمیقی بین این دو وجود دارد و که بیانگر ضعف بخش تولید است.



نمودار (۱) ارزش صادرات و واردات کالا در ۱۱ ماهه سال ۱۳۹۲ (میلیون دلار)<sup>۱</sup>

باید توجه داشت ارزش بالای صادرات نفتی می‌تواند مانعی بر سر راه تنوع بیشتر در صادرات باشد. این استدلال به احتمال زیاد برای اقتصادهایی مناسب است که تقریباً دارای اشتغال کامل و یگانگی کامل اقتصاد جهانی هستند. در حالی که اقتصادهای در حال رشدی مانند ایران با نیروی کار سریعاً در حال رشد و جوان، فاصله تکنولوژیک عمیق، موجودی اقتصادی کم، صادرات نفتی لازم است که تحت سیاست‌های اقتصادی مناسب به‌عنوان یک مکمل برای سایر فعالیت‌های صادراتی عمل کند (Karshenas and Hakimian, 2008: 203-204).

### ضروریات اقتصاد مقاومتی و راه کارهای دستیابی به آن‌ها:

به ثمر رسیدن اقتصاد مقاومتی مستلزم آن است که بسترهای اجتماعی و فرهنگی مناسب آن در جامعه فراهم گردد. در این بخش با رویکردی جامعه‌شناختی و تاکید بر

جامعه‌شناسی اقتصادی و توجه بیشتر به مسائل فرهنگی و اجتماعی به بررسی برخی ضروریات و الزامات تحقق اقتصاد مقاومتی و داده‌های تجربی که به روشن کردن وضعیت موجود این ضروریات کمک می‌کنند، می‌پردازیم.

**کاهش نابرابری اجتماعی:** رشد نابرابری و کاهش رفاه دهک‌های پایین جامعه در مراحل اولیه توسعه اقتصادی اجتناب‌ناپذیر است، زیرا نابرابری ایجاد انگیزه فعالیت اقتصادی می‌کند. مطالعه تطبیقی روند توسعه کشورها نشان می‌دهد نابرابری پس از توسعه اقتصادی نیز مسیر افزایشی خود را ادامه می‌دهد، اما رفاه در جامعه به‌طور کلی و برای اقشار ضعیف نیز تاحدودی افزایش می‌یابد. پیشتر اشاره کردیم که حفظ استقلال اقتصادی نسبت به رشد و عدالت از اولویت برخوردار است، اما نابرابری اجتماعی می‌تواند موجب کاهش مشروعیت نظام و در نتیجه عدم رعایت قواعد تنظیمی آن در عرصه‌های مختلف از جمله در اقتصاد مقاومتی گردد. بنابراین تلاش در جهت تحقق عدالت اقتصادی و کاهش نابرابری به‌عنوان یک اصل برای کشور و نظام انقلابی و اسلامی ضرورت دارد، اما در شرایط سخت در حداقل نگه داشتن آن واجب است. احساس، مشاهده و اطلاع از نابرابری، پیامدهای ناگواری برای نظام اجتماعی خواهد داشت. در صورتی که تفاوت رفاه و ثروت بین نخبگان و سایر اعضای جامعه خیلی زیاد باشد، جامعه به‌عنوان اجتماع اجتماعات نمی‌تواند دوام بیاورد (Etzioni, 2000: 53). هرچه نابرابری‌ها افزایش پیدا کند، میزان جرم و جنایت، مرگ و میر نوزادان بیشتر می‌شود، استانداردهای آموزشی کاهش می‌یابد، میانگین امید به‌زندگی، تحرک اجتماعی کمتر می‌شود، (Saunders, 2010: 5) و افراد محروم روابطشان را با سایرین از دست می‌دهند و ایزوله می‌شوند (Etzioni, 2000: 54).

بر اساس بررسی‌های انجام شده در شهر تهران میانگین احساس محدودیت فرصت‌ها در تهران ۴.۵۵ از ۶ و میانگین احساس فقر در بین جوانان ۳.۳۴ از ۶ می‌باشد، همچنین بر اساس گزارش بانک مرکزی در سال ۱۳۹۳، مقایسه سهم ۴۰ درصد خانوارهای پایین و متوسط بیانگر آن است که هزینه دهک آخر (پولدارترین) ۱۴.۳ برابر دهک اول (کم‌درآمدترین) می‌باشد. این نسبت در سال ۱۳۹۲/۱۳۸۸ برابر بوده که به معنی تشدید نابرابری است. در این شرایط نابرابر، طبقه

## ۸۰ مجموعه مقالات اولین همایش اقتصاد مقاومتی،

بالایی بودن ارزش و موجب رشد چشم و هم‌چشمی و نمایش ثروت و افزایش مصرف مخصوصاً کالای خارجی می‌شود که مغایر با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است. همچنین نابرابری باعث بی‌اعتمادی اجتماعی و کاهش انسجام اجتماعی می‌گردد و این دو رشد انحرافات اجتماعی را سبب خواهند شد که هزینه اداره جامعه و ناکارآمدی افراد را موجب می‌شود.

تخریب نابرابری زمانی بیشتر می‌شود که مردم چنین احساسی را نسبت به مسئولین داشته باشند تحت چنین شرایطی پذیرش و رعایت قواعد تنظیمی بسیار دشوارتر خواهد بود. کاهش نابرابری، مردم و به‌ویژه جوانان را امیدوارتر نموده و موجب صبر و تحمل و انگیزه بیشتر برای مشارکت می‌گرداند. متأسفانه وجود ساختارهای نابرابر خصوصی و دولتی در کشور که با توجیه کاهش هزینه دولت صورت می‌گیرد آثار تخریب نابرابری را بیشتر و آن را در جامعه نهادینه‌تر می‌نماید. مدارس غیردولتی، بیمارستان‌های خصوصی، دانشگاه‌های دولتی و خصوصی، خدمت سربازی، واگذاری واحدهای اقتصادی تحت تملک دولت به افراد تحت عنوان خصوصی‌سازی از جمله این ساختارها می‌باشند. می‌بایست به این نکته توجه داشت که در شرایط نابرابری در جامعه، اقتصاد مقاومتی معنا پیدا نمی‌کند. زیرا در چنین شرایطی افراد به شدت فردگرا شده و احساس هویت ملی و همبستگی اجتماعی که از لوازم تحمل سختی‌های اقتصادی در مسیر تحقق اقتصاد مقاومتی است کاهش می‌یابد. در نمودار های (۲ و ۳) می‌توانید درصد افرادی که دارای فردگرایی و هویت ملی کم و زیاد هستند را مشاهده کنید.







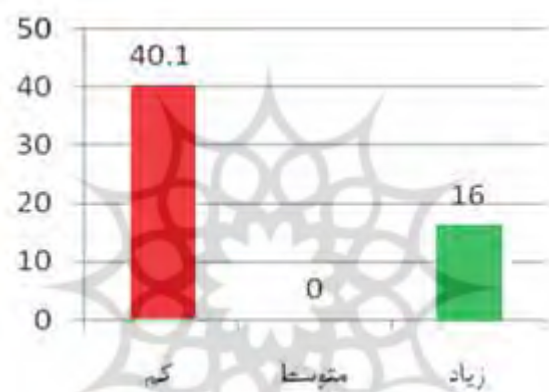
نمودار (۲) میزان فرد گرایی

نمودار (۳) میزان احساس هویت ملی

**افزایش مشروعیت نظام سیاسی:** منظور از مشروعیت، قانونی دانستن حکومت و دولت و پذیرش اعمال قدرت از سوی آنان و توانمند تلقی نمودن آن در اداره امور جامعه و رفع نیازهای اعضای آن است که از آن با اصطلاح مقبولیت نیز یاد می‌شود. اشاره شد که اقتصاد الگوهای ارتباطی کنشگران در عرصه تولید، توزیع و مصرف کالا و خدمات در جامعه است، یعنی مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارها در این زمینه‌ها وجود دارد. ارزش‌ها و هنجارها زمانی مورد قبول واقع خواهند شد که ارزش‌گذار و هنجارفرست اعم از مسئولان و یا کلیت نظام از حداقلی از مقبولیت و مشروعیت برخوردار باشند. بررسی‌ها نشان داده میانگین شاخص مشروعیت نظام در بین تهرانی‌ها ۳.۵۵ از ۶ می‌باشد.

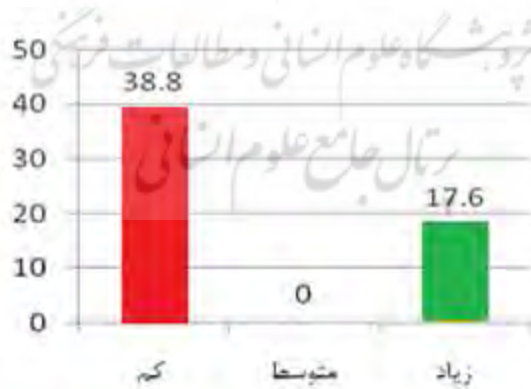
به دلیل کاهش مشروعیت است که وقتی یک مسئول بلندپایه از مردم می‌خواهد که "آن‌هایی که توانایی مالی دارند به یارانه، نه بگویند" و قریب ۷۲ میلیون نفر از ۷۵ میلیون نفر برای دریافت یارانه ثبت‌نام می‌کنند و به معنی آن است مردم آن فرد را برای این دعوت دارای صلاحیت نمی‌دانند. اما زمانی که امام می‌گفتند: "ما را از تحریم نترسانید ما فرزند رمضانیم." مردم لبیک می‌گفتند و خودشان را با گفتار امام(ره) تنظیم می‌کردند، زیرا شناخت مردم از زندگی امام(ره) آن بود که خیلی با مردم عادی فرقی ندارد. نتایج بررسی‌ها در مورد نظر مردم توانمندی نهادهای مختلف سیاسی و قضایی را می‌توان در نمودارهای زیر مشاهده کرد. جواب‌های متوسط حذف شده تا شکاف بین پاسخ کم و زیاد در مورد عملکرد نهادهای مختلف آسان‌تر ادراک شود.

۸۲ مجموعه مقالات اولین همایش اقتصاد مقاومتی،



نمودار (۴) نظر مردم درباره توانمندی رئیس جمهور و دولت یازدهم

نمودار (۵) نظر مردم درباره توانمندی مجلس شورای اسلامی





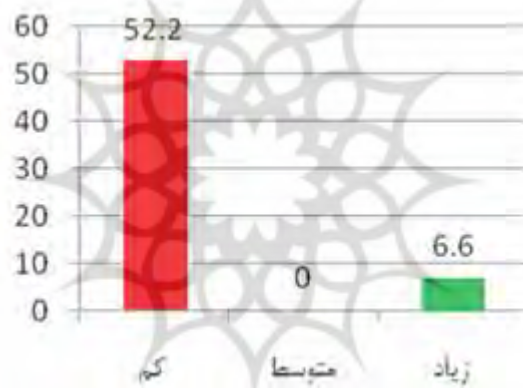
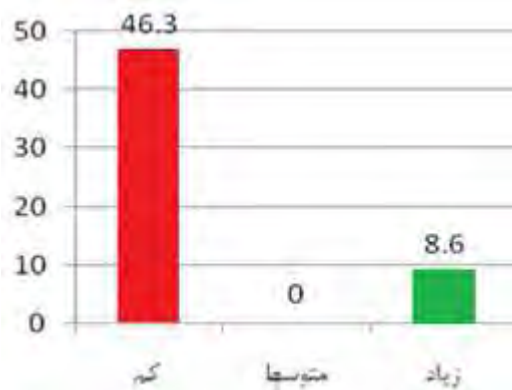
نمودار (۶) نظر مردم درباره توانمندی قوه قضائیه

نمودار (۷) نظر مردم درباره توانمندی شورای نگهبان

به منظور افزایش مشروعیت دولت، هر پدیده‌ای که از مقبولیت نظام بکاهد باید رفع شود. هر نوع اقدامی که باعث بی‌اعتمادی مردم به نظام و مسئولین شود به دلیل کاهش مشروعیت نظام مذموم است. هرکسی که مشروعیت نظام را کاهش دهد به نحوی وارد جنگ علیه نظام شده است. در تحقیقی که در سال ۹۳ سطح شهر تهران انجام شده در سوالی در مورد اقتصاد مقاومتی از پاسخگویان پرسیده شد که "به نظر تان چه عاملی می‌تواند باعث شود مردم حاضر نباشند سختی‌های اقتصادی را تحمل کنند؟" در پاسخ به این سوال ۴۸ درصد پاسخگویان به بیکاری و خود مشکلات اقتصادی، و ۳۱ درصد عدم اعتماد مردم به دولت و مسئولین را عامل عدم تحمل دشواری‌های اقتصادی بیان کرده‌اند. بنابراین اگر مشکلات اقتصادی را کنار بگذاریم مهم‌ترین علتی که مردم برای عدم تحمل مشکلات اقتصاد مقاومتی به آن اشاره کرده‌اند، عدم اعتماد به مسئولین است. اگر مردم شاهد دگرگونی مسئولین و خانواده آن‌ها به سوی تجمل‌گرایی و تفاخرجویی باشند و یا مطالبی درباره‌ی میزان ثروت برخی از مسئولین بشنوند حتی اگر واقعیت هم نداشته باشد، از مشروعیت آنان و نظام کاسته می‌شود. تحت این شرایط مردم به اقتصاد مقاومتی به‌عنوان مدل فعالیت اقتصادی خود گرایش نخواهد یافت. برای نشان دادن زمینه‌های اجتماعی لازم در این مورد و آشنایی با نظر مردم در مورد مسئولین کشور می‌توان به نمودارهای زیر استناد کرد که بر پایه تحقیق انجام شده در سال ۹۴ ارائه شده است. همانطور که مشاهده می‌کنید، حدود ۵۲

۸۴ مجموعه مقالات اولین همایش اقتصاد مقاومتی،

درصد از خودگذشتگی مسئولین و حدود ۴۶ درصد استفاده درست از ظرفیت های کشور را کم ارزیابی می کنند.



نمودار (۸) نظر مردم درباره استفاده درست مسئولین  
از ظرفیت های کشور

نمودار (۹) نظر مردم درباره از خودگذشتگی  
مسئولین

**وفاق نخبگان:** وفاق نخبگان سیاسی و مسئولین اجرائی و آحاد مختلف مردم در اداره امور جامعه به ویژه امور اقتصادی از عوامل مهم موفقیت سیاستها و برنامه های اداره کشور از جمله اقتصاد مقاومتی است. تعریف مشترک و ضروری دانستن پیاده سازی اقتصاد مقاومتی در تمامی مراحل سیاست گذاری، برنامه ریزی و اجرایی و در عرصه های تولید و مصرف و توزیع همه کالاها و خدمات، از سوی همه آحاد جامعه به ویژه مسئولان و

نخبگان موجب هم‌افزایی خواهد شد. همان‌طور استقلال یک اصل مشترک عام انقلاب و مورد قبول تمامی اقشار بوده و هست، پذیرش اقتصاد مقاومتی به‌عنوان الگوی استقلال اقتصادی نظام جمهوری اسلامی و مدل اقتصادی این نظام برای تحقق پیشرفت اسلامی و ایرانی، به‌عنوان یک اصل مشترک عام ضروری است. متأسفانه در تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات مسئولین کشور این هماهنگی دیده نمی‌شود که احتمالاً ناشی از عدم توافق بر این رویه و یا حداقل وجود قرائت‌های مختلف از اقتصاد مقاومتی است.

این در شرایطی است که از یک سو شاهد ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و از سوی دیگر افزایش فشار دشمنان هستیم. ولی در برنامه‌ریزی و عملکرد اقدام واقعی نمی‌بینیم. برای این امر لازم است اصول و مبانی این مدل بر مبنای نظام اعتقادی انقلاب اسلامی و آرمان‌های برخاسته از آن و واقعیات اقتصادی ایران و نظام اقتصادی حاکم بر روابط بین‌الملل تدوین و با افزایش روابط بین گروهی بین نخبگان، مسئولان و فعالان اقتصادی درباره آن تبادل نظر صورت گیرد.

**مبارزه با فساد اقتصادی:** اشاره کردیم که لازمه اقتصاد مقاومتی پاکی اقتصادی است، متأسفانه فساد به‌صورت گسترده و سازمان‌یافته در کشور و بخصوص در نهادهای مالی، اقتصادی و هر جا که مالکیت و حقوق دولت مطرح است وجود دارد. بر اساس گزارش سازمان تحقیق شفافیت که هر ساله سطح فساد را بر مبنای نظر سنجی‌های مردمی اعلام می‌کند، امتیاز ایران از ۱۰۰ نمره ۲۷ است و در بین ۱۶۸ کشور در رتبه ۱۳۰ قرار دارد.<sup>۱</sup>

براین اساس ایجاد عزم ملی و عمومی برای مقابله مردمی با فساد با ایجاد مراکز دریافت اطلاعات مردمی و بسیج عمومی و تشکیل هسته‌های حزب‌الله مقابله با فساد، تقویت و فعال‌سازی دستگاه‌های نظارتی، تجدیدنظر در قوانین و رویه‌های قضایی و شدت عمل و بخصوص اعمال مجازات‌های اجتماعی که از سرمایه اجتماعی و سیاسی مفسدان بکاهد و توجه به حداقل‌های معیشتی مردم، در کنار توجه مردم برای حماسه‌آفرینی در جنگ اقتصادی به‌عنوان یک کار فرهنگی، و نشان دادن پاک‌دستی مسئولین و وابستگان آن‌ها با پرهیز از زندگی تفاخرجویانه و تجمل‌گرایانه امری لازم است. سلامتی مالی دولت آنقدر مهم است که آنرا برای جلوگیری از سقوط دولت مهم می‌دانند (LI, 2002: 5).

جدول (۲) نشان دهنده امتیاز ایران از شاخص کنترل فساد است که بین ۲.۵+ تا ۲.۵-

است. همانطور که ملاحظه می‌کنید از سال ۲۰۰۲ به بعد ما در شاخص کنترل فساد یک شرایط نزولی را تجربه می‌کنیم.

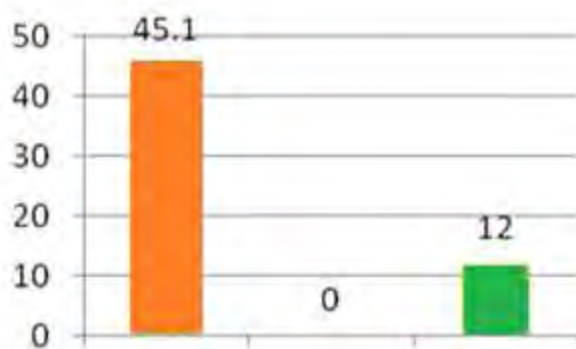
### جدول (۲) شاخص کنترل فساد<sup>۱</sup>

سال	2000	2002	2003	2004	2005	2006	2007	2008	2009	2010	2011	2012
نرخ	-0.57	0.22	0.30	0.42	-0.44	0.48	0.46	0.71	0.86	0.99	-0.92	-0.82

طبق اصل ۴۹ قانون اساسی دولت موظف است که تمام اموال بدست آمده از حرام را به خزانه مسلمین برگرداند. بنابراین دستگاه‌های دولتی با هماهنگی هم و با استفاده از توان عمومی نخبگان و مردم وظیفه دارند در این زمینه اقدام نمایند. برای تقابل با فساد اولین کار لازم تجدیدنظر در نظام حقوقی است. با طرح مخفف اسامی م-م، ه-ه، الف-ر به نام حفظ آبروی مردم فساد ریشه‌کن نمی‌شود. معقول نیست آبروی کسانی که آبروی یک نظام را می‌برند مهمتر باشد. بر اساس مطالعاتی که انجام شده است، یکی از بهترین راهکارهایی که می‌شود جلوی جرم‌زایی را گرفت مجازات‌های اجتماعی است. یعنی مجرمین با مجموع سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی‌شان و متناسب با نوع جرم و اندازه تاثیر جرمشان مجازات شوند. بررسی‌ها درباره مجازات اجتماعی و فرهنگی مدیری که مرتکب سرقت شده است نشان داد که ۳۶ درصد حقوقدانان و قضات قائل به اعلان عمومی نام مجرم در رسانه به‌عنوان مجازات منطبق با سرمایه اجتماعی بوده‌اند و ۴۶ درصد آنها به منع استفاده از مدرک تحصیلی و حذف عناوین علمی به مدت معین برای متقلبان علمی و فرهنگی و ۷۶ درصد آنها به عزل مدیران متخلف اشاره کرده‌اند.

به نظر می‌رسد تاکید بر اجرای علنی برخی حدود و تعزیرات اسلامی مرتبط با سرمایه‌های مختلف آنها باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد نارضایتی‌های مردم از مسئولین مواردی را در بر می‌گیرد که عدم پایبندی به اسلام و اصول انقلاب مشاهده می‌شود. مردم از اسلام و انقلاب ناراضی نمی‌باشند بلکه از عدم اجرای اصول انقلاب و اسلام ناراضی هستند. به‌ویژه نارضایتی آنها در مواردی افزایش می‌یابد که بنام اسلام و انقلاب این اصول نادیده گرفته می‌شود. هرچه قدر فساد در بین مسئولین افزایش یابد میزان قانونگرایی مردم نیز کاهش می‌یابد. بررسی‌های ما در مورد میزان قانون‌گرایی شهروندان

تهرانی از نظر خودشان را می‌توانید در نمودار (۱۱) مشاهده کنید. حدود ۴۵ درصد از افراد میزان رعایت قانون را از جانب خودشان کم اعلام کرده‌اند.



نمودار (۱۰) نظر مردم در مورد قانون‌گرایی خودشان

**ارزشمندی کار و تعهد به کار با افزایش سرمایه‌شغلی:** برای حفظ استقلال، کاهش رابطه کمتر با دشمنان به‌ویژه در کالاها و خدمات استراتژیک ضروری است. هرچه روابط اقتصادی ما با اقتصادهای بین‌المللی مخصوصاً کشورهای استکباری و به‌طور اخص در کالاهای استراتژیک پیوند بیشتری داشته باشد، آسیب‌پذیری ما بیشتر خواهد شد. رکن مهم اقتصاد مقاومتی خودکفایی اقتصادی و رکن مهم خودکفایی اقتصادی تولید و از ارکان مهم تولید ارزشمندی کار و تعهد به کار است. برای ارزشمندی کار علاوه بر کار فرهنگی به‌ویژه در دوران جامعه‌پذیری افراد در مراحل تحصیل و ورود به محیط کار، موثرسازی نتیجه آن در وضعیت زندگی افراد و ارتقاء پایگاه اجتماعی و امید به ارتقاء طبقه اجتماعی آنان نیز موثر است. اگر طبقه اجتماعی افراد با مجموع سرمایه‌های مختلف آنان مانند سرمایه اقتصادی یا ثروت، سرمایه فرهنگی یا معرفت، سرمایه اجتماعی یا منزلت و سرمایه سیاسی یا قدرت تعیین می‌شود، کار و آنچه از قبل آن به‌دست می‌آید تأثیر مهمی در میزان دستاوردهای افراد از این سرمایه‌ها دارد. اگر مجموع دارایی‌هایی که افراد از قبل ایفای نقش در یک موقعیت شغلی به‌دست می‌آورند را سرمایه شغلی بنامیم، می‌تواند تعیین‌کننده مهم پایگاه اجتماعی و طبقه افراد بوده و موجب افزایش تعهد به کار آنان گردد. در شرایط فعلی تمرکز پاداش شغلی بر سرمایه اقتصادی است. وجود نابرابری اجتماعی و تصور از آن و وجود مشکلات و نابسامانی‌های اقتصادی توجه به این نوع

سرمایه را در ازای کار از سوی کارکنان و کارفرمایان بیشتر نموده است. این در شرایطی است محدودیت منابع امکان پاسخگویی نامحدود و یا حداقل در حد انتظار کارکنان را نمی‌دهد و اگر به فرض چنین امکانی هم وجود داشته باشد توان ارضای نیاز و ایجاد انگیزه این نوع سرمایه محدود و اشباع‌پذیر است. به نظر می‌رسد توجه به افزایش سرمایه شغلی که انواع سرمایه‌های دیگر در خود دارد، می‌تواند این نقیصه را رفع نماید. افزایش سرمایه شغلی تعهد به کار و در نتیجه ارتقاء کمی و کیفی تولید و خودکفایی اقتصادی را در پی خواهد داشت. در جدول (۳) می‌توانید مشاهده کنید که **تعهد به کار در ادارات ۳۰۴۲ از ۶ می باشد و همبستگی سرمایه شغلی با تعهد به کار (۴۱) است، به عبارتی در ۴۱ درصد موارد با افزایش سرمایه شغلی، تعهد به کار افزایش می‌یابد.**

**جدول (۳) بررسی تعهد در ادارات و رابطه آن با سرمایه شغلی**

تعهد	میانگین	همبستگی با سرمایه شغلی
تعهد به کار	۳۰۴۲ از ۶	۰.۴۱+++
تعهد به سازمان	۳۰۴۱ از	۰.۴۰+++
تعهد به حرفه	۱۴۰۹۲ از ۶	۰.۰۸
تعهد به مراجعین	۳۰۶ از ۶	۰.۱۱
تعهد به همکاران	۳۰۲۲ از ۶	۰.۴۱+++

**اشتغال‌زایی و پرهیز از تکنولوژی سرمایه‌بر:** پیشتر به موضوع افزایش مشروعیت نظام اشاره کردیم، اشتغال نیروی انسانی علاوه بر استفاده از سرمایه انسانی در اقتصاد با کاهش نرخ بیکاری موجب افزایش مشروعیت نظام نیز می‌گردد. اشتغال موجب تقویت خوداتکایی افراد و کاهش انتظارات آنان از دولت در حل مشکلاتشان خواهد شد. کاربرد تکنولوژی موجب ارتقاء کیفیت و کاهش هزینه تولید می‌شود، اما در شرایط جنگ اقتصادی اولاً می‌بایست توان تولید تکنولوژی بومی را ارتقاء داد که خود زمینه‌ای برای ایجاد اشتغال و جذب نیروی انسانی مازاد ناشی از به‌کارگیری تکنولوژی خواهد بود. ثانیاً اتخاذ حداکثری راهبرد تولید کارگر بر در مقابل شیوه‌های سرمایه‌بر می‌تواند در کاهش نرخ بیکاری موثر باشد. حمایت از راه اندازی کارگاه‌های کوچک و تعاونی‌های متخصصین و کارگاه‌های خانگی نیز در ایجاد اشتغال و کاهش بیکاری مفید خواهد بود، به‌ویژه اگر



شکل‌گیری شبکه‌های اقتصادی مرتبط با تولید کارگاهی کوچک و کسب و کار خانگی و تعاونی‌ها تحقق یابد.

**دانش بنیان بودن اقتصاد مقاومتی:** کشورهای با توسعه علمی ضعیف در صورتی که در فرایند پیشرفت جامعه خود به نظم اجتماعی و تعادل در رشد تمامی اجزای نظام اجتماعی در برنامه‌ریزی‌های خود توجه داشته باشند از پیشرفت علمی سریعتری هم برخوردار خواهند شد. همچنین با توجه به کارکرد تغییرآوری و نظم‌آفرینی نهاد علم در صورتی که پیشرفت علمی نظم در جامعه را تقویت نماید علاوه بر رشد مضاعف خود، موجب پیشرفت جامعه نیز خواهد شد. از سوی دیگر نهاد اقتصاد حساس‌ترین نهادها نسبت به تغییرات است و تغییرات علمی و فناوری حاصل از آن خود را در نهاد اقتصاد نشان می‌دهند. براین اساس لازم است نهاد علم کشور که بخشی از سازمان اجتماعی آن شامل دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها است فعالیت‌های خود را به گونه‌ای تنظیم نماید که پاسخگوی نیازهای کشور در بستر اقتصاد مقاومتی باشد. برای این منظور لازم است در فرآیند پیشرفت علمی رویکرد نهادگرایی در دو سطح خرد و کلان مورد توجه باشد. نهادگرایی علمی در سطح خرد به معنی نقش‌محور شدن نهاد علم است. نهاد علم در تربیت نیروی انسانی خود اعم از ارتقای دانش فنی و جامعه‌پذیری و انتقال فرهنگ، افزایش توانایی برای ایفای نقش‌های اجتماعی که افراد در جریان زندگی خود اختیار می‌کنند را محور قرار داده و دانش لازم برای ایفای نقش‌های اجتماعی عام را به افراد انتقال و از تک بعدی نمودن آن‌ها برای ایفای نقش شغلی پرهیز شود.

نهادگرایی علمی در سطح کلان در دو بعد قابل طرح است: ۱- نهادمحوری نهاد علم، نهاد علم در تولید و انتقال علم متناسب با کارکردهای نهادهای دیگر به گونه‌ای عمل کند که کارکرد آن‌ها و روابطشان باهم و با نهاد علم تسهیل و موانع آن رفع گردد. نظام اجتماعی و اجزای آن برای دستیابی به اهدافشان که پاسخگویی به نیازهای افراد و فراهم نمودن شرایط رشد و پیشرفت فردی و اجتماعی آن‌ها و حداقل تولید سرمایه‌های چهارگانه (فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی) است به تعادل برسد. همچنین مهارت‌ها به گونه‌ای ارائه شود که ایفای نقش‌های شغلی افراد در نهادهای مختلف، و دستیابی به هدف آن نهادها را تسهیل نماید. ۲- علم محوری نهادهای دیگر، نهادهای مختلف برای تنظیم روابط نقش‌های درونی خود و روابط خود با سایر نهادها، به منظور به تعادل رسیدن

نظام اجتماعی و دستیابی به اهداف آن مبتنی بر یافته‌های علمی (کارکردهای نهاد علم) عمل نمایند. نهاد علم باید از توانایی شناخت موانع نهادگرایی علمی و ارائه راه حل برای آن‌ها در سطوح مختلف نیز برخوردار باشد. این رویکرد موجب ایجاد، حفظ و ارتقاء نظم اجتماعی در جامعه نیز خواهد شد. برای این منظور اقدامات ذیل لازم است:

۱- اولین ضرورت تدوین نظام جامع اشتغال، آموزش و تامین اجتماعی است. در حال حاضر نهاد آموزش ما نیروی متخصص تربیت می‌کند و روی دست بخش اشتغال می‌گذارد در صورتی که نهاد اشتغال ظرفیت هضم این همه متخصص را ندارد. لازم است متناسب با شرایط فعلی و برنامه‌های آینده کشور نیاز به تخصص در بخش‌های مختلف سنجیده شود و نهاد آموزش ما به‌ویژه آموزش عالی با تربیت آن‌ها با رویکرد نقش‌محور بپردازد. در حال حاضر در آموزش عالی سالانه با حدود ۲۲ هزار میلیارد تومان اتلاف سرمایه ناشی از ناتوانی و عدم تناسب نیروی متخصص دانش‌آموخته دانشگاه‌ها مواجهه‌ایم.

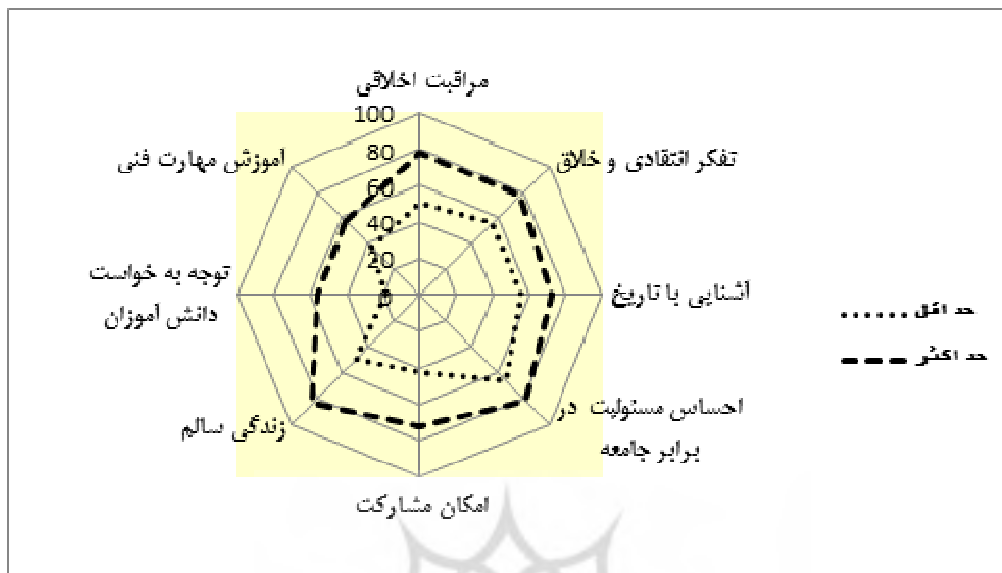
۲- تغییر نظام بودجه و اعتبار دانشگاه‌ها: به مرور زمان باید تامین بودجه دانشگاه‌ها به خودشان سپرده شود. به‌طور مثال ۳۰ درصد دولت کمک کند و ۷۰ درصد بودجه توسط خود دانشگاه‌ها از طریق عقد قرارداد با سایر سازمان‌ها بدست آید (نه از آموزش‌های آزاد که خود برای کشور معضل‌آفرین است).

۳- تغییر در نظام ارتقاء اساتید دانشگاه‌ها: حداقل کاری که می‌توان کرد این است که اگر مقاله‌ای بر گرفته از یک طرح پژوهشی مورد نیاز یک سازمان (اعم از دولتی و یا خصوصی) دارای نوآوری بود و یا مشکلی از آن سازمان و جامعه را رفع کرده بود با تایید مسئولین همان سازمان، مخصوصاً در مورد علوم انسانی (حداقل) بالاترین نمره امتیاز برای ارتقاء را به آن بدهند و یا برای آن ضریب ترجیحی قائل شوند. در مراحل پیشرفته‌تر می‌توان این ویژگی را شرط لازم برای تعدادی از مقالات و یا فعالیت‌های علمی اساتید قرارداد. همچنین است اتخاذ رویکرد شاگردپروری با جهت‌گیری نقش‌محور توسط اساتید می‌تواند از شرایط ترجیحی ارتقاء اساتید قلمداد گردد.

۴- کاهش جمعیت دانشجویان کشور با توجه به نیاز سنجی به‌عمل آمده در نظام جامع اشتغال، آموزش و تامین اجتماعی و تغییر روش‌گزینش دانشجو به‌نخبه‌گزینی متناسب با آن از ضرورت‌های مهم دانش‌بنیان بودن تحقق اقتصاد مقاومتی است. در حالی که جمعیت کشور در سالیان پس از انقلاب کمی بیش از دو برابر شده، جمعیت دانشجوی ما

تقریباً ۲۵ برابر شده است، این امر به‌ویژه با شرایطی که در ایجاد اشتغال برای تحصیل‌کردگان داریم در آینده خود از مشکلات جامعه خواهد شد. به‌ویژه اینکه سیطره فرهنگی استکبار علمی همانند دیگر کشورهای جهان بر دانشگاه‌های ما هم حاکم است. جمعیت دانشجویی با این کمیت و کیفیت از عوامل تغییرات اجتماعی و سیاسی آینده کشور خواهد بود.

**تحول در نظام آموزشی کشور:** از مهمترین کارکردهای نظام آموزش و پرورش آماده‌سازی افراد برای ایفای نقش‌های اجتماعی است که با درونی نمودن ارزش‌ها و هنجارها در فرایند جامعه‌پذیری آنان انجام می‌شود. ایفای نقش‌های اجتماعی علاوه بر درونی کردن ارزش‌ها و هنجارها نیازمند اندازه‌ای از دانش و مهارت است که کیفیت ایفای نقش‌ها را ارتقاء دهد. مطالعات ما بیانگر آن است که در حال حاضر نظام آموزش و پرورش از چنین ویژگی برخوردار نیست و این امر می‌تواند مانعی برای تحقق اقتصاد مقاومتی باشد، زیرا حداقل آن است که جامعه‌پذیری اقتصادی و مهارت‌آموزی دانش‌آموزان برای این منظور فاقد لازم و برنامه‌های متناسب با آن است. نمودار ذیل نتایج بررسی میزان آمادگی دانش‌آموزان مدارس تهران برای ایفای نقش‌های اجتماعی است. نقطه چین‌ها نشان دهنده حداقل و حداکثر میزان آمادگی ایجاد شده در دانش‌آموزان در مدارس تهران می‌باشد. این آموزش‌ها قرار است شهروندان آینده و سازگار با شرایط اقتصاد مقاومتی را تربیت کند.



نمودار (۱۱) میزان آمادگی دانش آموزان مدارس تهران برای ایفای نقش‌های اجتماعی

**کارآمدسازی نظام تامین اجتماعی:** برای کاهش آثار تخریبی نابرابری در تحقق اقتصاد مقاومتی ایجاد یک نظام کارآمد تامین اجتماعی ضروری است. لازم است مردم حداقل در تغذیه، سلامت و آموزش تحت پوشش و حمایت یک نظام کارآمد تامین اجتماعی قرار بگیرند زیرا در جنگ اقتصادی به اقشار ضعیف ضربه بیشتری وارد می‌آید.

**تحول در نظام اداری:** ورود درآمدهای نفتی به بودجه کشور و در اختیار دولت بودن آن، همزمان با طراحی نظام اداری مدرن کشور از عوامل مهم ناکارآمدی نظام اداری می‌باشد. زیرا دولت را به کارفرمای بزرگی تبدیل کرده که در تمام عرصه‌ها ورود پیدا کرده و خود به تصدی‌گری امور مشغول است. تلقی سهیم شدن در درآمدهای نفتی با ورود به دستگاه‌های دولتی از یکسو موجب بزرگی غیر لازم نظام اداری شده و از سوی دیگر چون عضویت در دولت و یا تعامل با آن، مثلاً در اشکال مختلف پیمانکاری، به نحوی دسترسی به پول نفت را فراهم می‌کند، قواعد تنظیمی برای حفظ این پول بسیار زیاد، سخت‌گیرانه و مبتنی بر بی‌اعتمادی است که خود ناکارآمدی نظام اداری را مضاعف کرده است. براین اساس مبنای حرکت نظام اداری کشور حل مشکلات از مسیرهای

طولانی و با صرف انرژی بسیار زیاد است که موجب عقب‌افتادگی کشور می‌شود. کاهش تصدی‌گری دولت و کوچک‌سازی آن در قواعد و نه ضرورتاً در مالکیت، کارآمد و متناسب‌سازی نظام آموزش کشور با نیازهای جامعه، حداقل‌سازی قوانین و مقررات، اعتماد مبنای شدن قوانین و تغییر نظام نظارت بر امور از سرشماری به نظارت نوبه‌ای و تصادفی برخی از اقداماتی هستند که می‌توانند در کارآمدسازی نظام اداری تحول ایجاد کنند.

**دیپلماسی اقتصاد مقاومتی:** حضور اقتصادی مقاومتی در عرصه بین‌المللی، نیازمند دیپلماسی خاص خود و یک وزارت امور خارجه انقلابی فعال و پویا با شرح وظایف مشخص اقتصادی است. بخش مهمی از ظرفیت سفارت‌خانه‌های ما با کمک وزارت اطلاعات می‌تواند در فعال‌سازی اقتصاد مقاومتی در عرصه بین‌المللی با رویکرد شناسایی ظرفیت‌های اقتصادی بخش خصوصی کشورهای دیگر برای واردات و ظرفیت‌های ما برای صادرات به آن کشورها بکار گرفته شود. در بخش خصوصی کشورهای جهان ظرفیت‌های قابل توجهی در بین علاقمندان به انقلاب اسلامی وجود دارد که شناسایی و فعال‌سازی آنها می‌تواند بخشی از مشکلات ما را رفع نماید. همچنین رصد تحرکات اقتصادی استکبار جهانی توسط دستگاه دیپلماسی کشور می‌تواند پیشگیری از لطمات و آسیب‌پذیری کشور را در پی داشته باشد. نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی اعضای سفارت-خانه‌های ایران در کشورهای دیگر نیز امر مهمی است که می‌بایست مورد توجه باشد. کسب شناخت، اطلاع‌رسانی متقابل و بکارگیری هماهنگ این دیدگاه در سازمان‌های دولتی و بخش خصوصی کشور به‌ویژه وزارت اطلاعات، وزارت صنعت، معادن و تجارت، وزارت راه و شهرسازی و وزارت دفاع و صنایع نظامی، وزارت دارایی و امور اقتصادی و کمک و همکاری با آن بسیار ضروری است.

**مالکیت اجتماعی و مردم‌بنیانی اقتصاد مقاومتی:** صرف نظر از نوع مالکیت که دولتی باشد یا غیردولتی مردم باید نقش مهم و کلیدی داشته باشند. این امر نیازمند تغییرات اساسی در ساختارهای اقتصادی است که روابط بین دولت و مردم را تنظیم می‌کند. طبق قانون اساسی اقتصاد ایران دارای سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی است. در اصل ۴۴ بخش خصوصی مکمل دو بخش دیگر تلقی شده و این به معنی آن است که قانون اساسی درصدد پیشگیری پیامدهای منفی مالکیت خصوصی است. از سوی دیگر

مالکیت دولتی به‌ویژه مبتنی بودن اقتصاد بر نفت و اقتصاد سرمایه‌داری دولتی انگیزش لازم برای پیشرفت اقتصادی را به‌وجود نیاورده بلکه موجب عقب‌افتادگی اقتصادی، وابستگی، فساد و دیگر پیامدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه شده است. به نظر می‌رسد اقتصاد تعاونی پیامدهای هر دو نوع اقتصاد سرمایه‌داری و سوسیالیستی را در برداشته باشد. برای مشارکت عمومی مردم در اقتصاد مقاومتی گسترش تعاونی‌ها با مالکیت اجتماعی در کنار موارد یاد شده در بالا می‌تواند تحول اساسی در تنظیم امور اقتصادی به‌وجود آورد و راه حل مناسبی برای پیشرفت اقتصادی کشور باشد. مالکیت اجتماعی به‌معنی آن است که مالکیت اموال عمومی از آن دولت است، اما اداره و بهره‌برداری از آنها در قالب مشارکت در تعاونی‌ها به مردم سپرده می‌شود. نقش دولت نظارت بر تناسب فعالیت‌ها و ارتقاء بهره‌وری و عدم کاهش آن است. این شیوه راه‌حل مناسبی برای کوچک‌سازی دولت و واگذاری واحدهای اقتصادی تحت تملک دولت است. کوچک‌سازی دولت یعنی حداقل دخالت دولت در اداره امور و پرداختن به نظارت و سیاست‌گذاری بیشتر. مالکیت اجتماعی راهی برای مردمی نمودن بنیان‌های اقتصاد مقاومتی است. تشکیل سازمان بسیج اقتصادی که با هدف ارتقاء شاخص‌های اقتصادی فعالیت نماید می‌تواند بخشی از بسترهای لازم برای مردمی کردن اقتصاد و تحقق این امور را فراهم نماید. علاوه بر این پیوند مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی با نظام اعتقادی و انقلابی از سوی مردم که نیازمند کار فرهنگی است، امری ضروری است. اخذ رویکردهای جمع‌گرایانه و عام‌گرایانه در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و پرهیز از سیاست‌ها و رویه‌های فردگرایانه و خاص‌گرایانه و همچنین پرهیز از هرگونه انحصارگرایی فردی و گروهی و طبقاتی و مرجح دانستن منفعت جامعه بر آن از مواردی است که موجب مشارکت بیشتر و حداکثری مردم در فعالیت‌های اقتصادی می‌گردد. جدول زیر نشان دهنده وضعیت کشورهای مهم در حوزه تعاونی‌ها است.

جدول (۴) گزارش درباره تعاونی‌ها<sup>۱</sup>

رتبه	نسبت عضویت و مشتری به جمعیت	نسبت اشتغال به جمعیت	Annual Gross Revenue/GDP نسبت سود خالص به GDP
۱	فرانسه	نیوزیلند	نیوزیلند (۲۰ درصد)
۲	فنلاند	سوئیس	هلند (۱۸ درصد)
۳	سوئیس	ایتالیا	فرانسه (۱۸ درصد)
۴	اتریش	فرانسه	فنلاند (۱۴ درصد)
۵	دومینیکا	مالت	لوگزامبورگ
۶	هلند	فنلاند	آلمان
۷	ایرلند	آلمان	ایرلند
۸	آلمان	هلند	ایتالیا
۹	قبرس	اسپانیا	دانمارک
۱۰	استرالیا	نروژ	لهستان

سهم ایران در تعاونی از GDP حدود ۱۳ درصد اعلام شده البته دومیلیون نفر، دارندگان سهام عدالت جزء این افراد محسوب شده‌اند.

**تغییر سبک زندگی:** سبک زندگی الگوی نسبتاً پایداری از اندیشه، شناخت، احساس، کنش و رفتار، بر اساس جهان‌بینی، نظام ارزشی، نگرش‌ها، گرایش‌ها، موقعیت‌ها و منابع که مشخص کننده طبقه اجتماعی بوده و به‌طور روزمره در عرصه‌های مختلف زندگی مشاهده شده و نشانگر هویت اجتماعی افراد و الگوهای دستیابی به اهداف آنان می باشد. آنچه در زندگی روزمره ما مشاهده می‌شود تناسبی با نظام انقلابی اسلامی ندارد. این مشکلی است که با گذشت ۳۷ سال از پیروزی انقلاب نه تنها از بین نرفته بلکه تشدید شده است. امروز سبک زندگی به مثابه راهبردی برای ایجاد تغییر و تحول در اصول و نظام جمهوری اسلامی مورد توجه دشمنان انقلاب اسلامی و پیروان داخلی آنان است. سبک زندگی اسراف‌گرایانه و تفاخرجویانه فعلی ما نه تناسبی با اسلام دارد و نه تناسبی با انقلاب. آمارهای مصرف کالا و خدمات نسبت به جمعیت در کشور و مقایسه آن با متوسط جهانی و کشورهای دارای شرایط تقریباً یکسان با ما موید این ادعاست.

بی‌تردید بخش مهمی از حرکت به سمت اقتصاد مقاومتی منوط به تغییر در شرایط ساختاری است که سبک زندگی را شکل می‌دهد، البته جامعه‌پذیری نقش مهمی در دگرگونی تفکر و شناخت خواهد داشت. برای تغییر سبک زندگی، دگرگونی اندیشه، شناخت، احساس و رفتار نیاز است که خود با تغییر جهان‌بینی، نظام ارزشی و نگرش‌ها حاصل خواهد شد. برای این منظور جامعه‌پذیر کردن اعضای جامعه توسط مدارس، دانشگاه‌ها و رسانه‌ها برای تحول و دگرگونی سبک زندگی، ارزشمندی کار و مسئولیت‌پذیری و تعهد به کار امری ضروری و لازم است. متأسفانه نظام فرهنگی ما کار فرهنگی را به کار تبلیغی و آن هم محدود به چند مقوله که افراط در آن‌ها نوعی صورت‌گرایی دینی را القا می‌کند تقلیل داده است.

تغییر سبک زندگی مسئولین و مقامات دولتی مهمتر از مردم عادی است، زیرا آن‌ها هم الگوی جامعه‌هستند و هم مشروعیت‌هنجارها را تعیین می‌کنند. در نظام جمهوری اسلامی مسئولین و خانواده‌هایشان نباید از حد متوسط جامعه مرفه‌تر زندگی کنند و به ثروت‌اندوزی دست بزنند. نادیده گرفتن این شیوه زندگی نباید از دید دستگاه‌های نظارتی مخفی مانده و به مردم اطلاع‌رسانی نشود. برای این منظور رفع موانع قانونی و تصویب قوانین متناسب لازم است. تغییر سبک زندگی مسئولین در سطح میانه و کلان نیز مقوله مهمی است که لازم است به آن پرداخته شود. اداره امور با روش‌هایی که هزینه جاری را افزایش می‌دهد و اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌هایی که واجب نیست تناسبی با اقتصاد مقاومتی نخواهد داشت.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت سبک زندگی اقتصاد مقاومتی سبک زندگی اقتصادی است که در تولید تکاثرگرا و کثرت‌خواه است و در مصرف قناعت‌پیشه، سبک زندگی که تقوی-الهی افراد موجب برکت در مال آن‌ها و وسعت‌روزی و فراخی معیشت آنان می‌گردد.

جدول (۵) نشان دهنده می‌دهد که میانگین خرید برای چشم و هم چشم‌پدر جوانان ۴۳۱ از ۶ و میانگین توجه و اهمیت برند کالا در هنگام خرید کردن در جوانان ۳۶۶ از ۶ می‌باشد. این متغیرها نشان می‌دهد که در حوزه خرید کردن و مصرف ما شرایط مناسبی برای پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی نداریم.



جدول (۵) توجه به برند و چشم و همچشمی در خرید کردن

انحراف معیار	میانگین از ۱۰۰	ابعاد
۱/۱۷	۴۳۱	خرید برای چشم و هم چشمیدر جوانان
۱/۴۴	۳۶۴	توجه و اهمیت برند کالا در هنگام خرید کردن در جوانان

**تقویت دینداری مردم:** بین تقوی و بندگی خداوند و وسعت روزی و معیشت و بین معصیت و نادیده انگاشتن دستورات الهی و تنگی و مشقت در زندگی و معیشت رابطه وجود دارد. براین اساس پایبندی دینی مردم موجب بهبود وضع اقتصادی خواهد شد. ترویج روحیه جهادی، نوع عملکرد مسئولین و توجه به اخلاق در اقتصاد و اخلاق حرفه‌ای موارد مهمی هستند که برای تحقق‌شان باید معنویت و پایبندی دینی مردم تقویت شود. به‌علاوه از آنجا که جمهوری اسلامی یک نظام مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی است تقویت پایبندی دینی مردم موجب رعایت هنجارهای وضع شده از سوی این نظام می‌گردد. موفقیت نظام اسلامی در حل مشکلات زندگی مردم و رعایت قواعد دینی به‌خصوص از سوی متولیان امور و وابستگان آن‌ها نیز از عوامل مهم تقویت دینداری مردم خواهد بود. تعمیق شناخت اعتقادی و تاکید بر دستورات اخلاقی دینی به‌ویژه اخلاق اجتماعی و تاکید بر اهمیت و رعایت حق‌الناس به‌ویژه در تعاملات اقتصادی می‌تواند بر افزایش پایبندی دینی مردم و در نتیجه رعایت قواعد اخلاقی لازم در اقتصاد مقاومتی موثر باشد. کسب مال حلال نه فقط در سطح خرد و توسط افراد بلکه در سطح میانه و کلان یعنی توسط سازمان‌ها و دولت نیز باید مورد توجه باشد. آلودگی بیت‌المال به حرام که متأسفانه در برخی سازمان‌ها با توجیه کسب درآمد انجام می‌شود موجب از بین رفتن خیر و برکت می‌گردد. توجه به برکت در امور اقتصادی که با رعایت دستورات دینی حاصل می‌شود یک اصل اقتصادی است که لازم است از ارکان اقتصاد مقاومتی به حساب آید.

**اهمیت اقتصاد خانگی و مهارت‌های زندگی:** اقتصاد خانگی و مصرف به عنوانی که موضوع علمی و قابل مطالعه، لازم است در مدارس متوسطه، دانشگاه‌ها، مراکز فنی و حرفه‌ای و از طریق رسانه‌ها به‌ویژه صدا و سیما آموزش داده شود. این آموزش‌ها مهارت‌های زندگی لازم برای دختران و پسران در نقش‌های مختلف اجتماعی‌شان را دربر می‌گیرد که مورد تاکید آموزش نقش‌محور بود. بخش مرتبط با اقتصاد مقاومتی این

آموزش‌ها شامل دانش و اطلاعاتی درباره شناخت مواد غذایی و تهیه و نگهداری غذا و تغذیه، منسوجات و طراحی پوشاک و خیاطی، طراحی داخلی و چیدمان و دکوراسیون منزل، پیشگیری از خطرات و استفاده صحیح از وسایل و لوازم خانگی، آشنایی با مواد شیمیایی (به‌ویژه شوینده‌ها) کاربرد آن‌ها، آموزش‌های زیست‌محیطی استفاده از آب، انرژی، سوخت، آشنایی با اقتصاد و مدیریت منابع خانواده و برنامه‌ریزی مالی، پس‌انداز، وام و بدهی، قدرت خرید و تورم، چگونگی صرفه‌جویی و کاهش هزینه‌ها و کسب درآمد و تولید خانگی برای مصرف و فروش و موضوعاتی از این قبیل است، آشنایی افراد با این موضوعات و حمایت از کاربرد این شیوه‌ها می‌توانند نقش موثری بر موفقیت اقتصاد مقاومتی داشته باشد.

### نتیجه‌گیری

می‌توان اقتصاد را تعامل کنشگران سطوح مختلف دانست که در بستری اجتماعی و فرهنگی رخ می‌دهد، از آن تاثیر می‌پذیرد و بر آن تاثیر می‌گذارد. از این رو قانونمندی‌های ناب اقتصادی کفایت لازم برای تحلیل و تبیین پدیده‌های اقتصادی را ندارند و لازم است ابعاد اجتماعی و فرهنگی و قواعد حاکم بر آن‌ها نیز مورد توجه قرار گیرد. اقتصاد مقاومتی، اقتصادی مردم‌منا است و ابعاد اجتماعی فرهنگی آن بسیار مهم و تاثیرگذار در موفقیت آن می‌باشد. مطالعات نشان می‌دهد در شرایط فعلی جامعه برخی شواهد و قرائن وجود موانع اجتماعی و فرهنگی در مسیر موفقیت اقتصاد مقاومتی وجود دارد و لازم است برای رفع آنها چاره‌اندیشی شود.

وفاق نخبگان و مسئولان، حفظ و ارتقاء مشروعیت و مقبولیت نظام، افزایش شفافیت، نقش‌آفرینی رسانه‌ها و تجدیدنظر در نظام حقوقی برای مبارزه با فساد و تبدیل آن به عزم ملی، هویت ملی و دینی، ارزشمندی کار، کاهش تعطیلات رسمی و غیر رسمی، تقویت دینداری مردم، کاهش نابرابری اجتماعی، تقویت همبستگی اجتماعی، نقش‌آفرینی دیگران مهم و حفظ، تقویت، تجدیدنظر در نظام جامعه‌پذیری و موسسات آن، افزایش سرمایه‌شغلی و تعهد به کار، تحول در نظام‌های اداری، آموزشی، کارآمدسازی نظام تامین-اجتماعی، تدوین نظام جامع اشتغال و آموزش از عوامل و موانعی است که برای موفقیت

اقتصاد مقاومتی نیازمند سیاست‌گذاری و تجدیدنظر می‌باشند.

### منابع

- پرچمی، داود، مطالعه تطبیقی رابطه‌ی نظم در جامعه و پیشرفت علمی. مجله تحلیل اجتماعی. شماره ۴/۱۳۹۰، ۶۱.
- راغفر، حسین، ۱۳۸۶: قدرت، سیاست‌های اقتصادی و فساد ایران، مجموعه مقالات آسیب‌های اجتماعی ایران، انتشارات آگه و انجمن جامعه‌شناسان.
- Etzioni, Amitai, 2000, The Third Way to Good Society, Redwood Books
- Karshenas , Massoud , Hakimian , Hassan, 2008: Managing oil resources and economic diversification in Iran , Iran in the 21<sup>st</sup> Century (Politics, economics and conflict), published by Routledge
- Li, Rebecca, 2002: Alternative Routes to State Breakdown: Toward an Integrated Model of Territorial Disintegration, Sociology Theory, Vol. 20, pp1-23
- Saunders, Peter, 2010: Equality, the Good Society and The Spirit Level, Printed by Heron, Dawson and Sawyer